

برخورد بازار مشترک اروپا با خارج

نویسنده: ژان کلود ژولن
مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره
گروه تعاونی مان - فرانسه

ترجمه: لیلا مشکونی

سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ ژاپن موفق شد سهم خود را در تولید جهان غیر کمونیست سه برابر کند حال آنکه سهم ایالات متحده امریکا از ۵۰٪ به ۳۰٪ تقلیل یافت.

کشورهای جامعه مشترک اروپا اینک از رتبه اول برخوردارند. همزمان با این تحول ما شاهد ظهور قطبهای جدید توسعه در دنیا هستیم که نقش مؤثری را در اقتصاد دنیا بازی می‌کنند یا بزودی بدست خواهند آورد کشورهای آسیای شرقی که اخیراً صنعتی شده‌اند مانند کشورهای جنوب شرقی آسیا، کشورهای اتحادیه تجارت آزاد و البته بدون شک در آینده نزدیک کشورهای عضو پیمان معاضدت متقابل اقتصادی (کمکن) می‌باشد. گشودن بازار مشترک اروپا بر روی این قطبهای جدید جزء اساسی سیاست بازار مشترک است. جنبه دیگر دنیای کنونی که باید الزاماً بازار مشترک اروپا را بسوی سیاست درهای باز بکشاند وابستگی‌های متقابل اقتصاد کشورهاست. اینک این واقعیت که جهت گیری اقتصادی یک کشور به همراه سیاست مالی و پولی آن میتواند اثرات محسوس بر دول دیگر داشته باشد روشن شده است. در جهان امروز تغییرات و سیستمهای مالی و پولی بین المللی، ادغام شدن بازارهای مالی و پیدایش ابزارهای بین المللی پرداخت و مؤسساتی که از ادغام بازارهای مالی پشتیبانی میکنند نظیر شرکتهای چند ملیتی و ارگانهای بین دولتها همه دست بدست هم میدهند تا وابستگی کلی اقتصادها بیشتر تقویت گردد و ملتها بسوی همکاری بین المللی کشانده شده و بدان متعهد گردند.

بنابراین در عین حال که بازار مشترک، بازار واحد خود را بنا میگذارد که موجب واگمهای گوناگونی شده است، ناچار است خود را بعنوان عضوی از جهان پیچیده و بهم وابسته و وسیع ببیند و برنامه توسعه خود را با توجه به اقتصاد

بموازات نزدیک شدن تاریخ موعود یعنی ۳۱ ام دسامبر ۱۹۹۲ تاریخی که در آن پروسه مبادله آزاد کالا، انسانها، خدمات و سرمایه در بازار وسیع داخلی، بدون مرز اروپائی به کمال خواهد رسید، دنیای خارج به این تحول با دیده تحسین و در عین حال نگران می‌نگرد.

امتیازات سیاسی و اقتصادی که جهان از یکپارچه شدن اروپا بدست خواهد آورد توسط همگان تأیید شده است و کنفرانس اخیر سران در تورونتو فرصتی شد که یکبار دیگر کشورهای غیر عضو، اتحاد اروپا را تشویق نمایند. کشورهای غیر عضو بازار مشترک اعم از صنعتی مانند ایالات متحده امریکا و ژاپن و کشورهای متعلق به جامعه تجارت آزاد و کشورهای در حال توسعه تا حدی نگرانی خود را نسبت به تحولات اخیر اروپا ابراز داشتند این نگرانی‌ها از طرفی در نتیجه مباحثی است که بین کشورهای جامعه اروپا در گرفته که ممکن است نتایج نامطلوبی از نظر محدود کردن کشورهای خارج جامعه در مورد سرمایه گذاری در بازار مشترک اروپا داشته باشد یا عبارت دیگر ترس از اینکه دسترسی به این بازار در آینده مشکلتر از زمان حاضر شود.

موضوعی که از من خواسته شده درباره آن سخنرانی کنم همین سؤال و واگم است، ترس از اینکه اروپا در آینده یک سیاست حمایتی و بیش از حد محتاط پیش گیرد یا بعبارت دیگر اروپا قلعه‌ای را تشکیل دهد که دسترسی بدان بیش از پیش مشکل شود. تفحص و بررسی جهان کنونی میتواند جواب اساسی به این اشخاص که دچار نگرانی هستند، بدهد گرچه این جواب بازتاب یک نوع طرز تلقی سیاسی و فلسفی خاص از مسائل است.

در زمان حاضر ما شاهد تحولات عمیق ولی آرام در تعادل قدرت‌های سیاسی و اقتصادی جهان هستیم. بین

۱ - ۱ - خدمات و تجارت بین الملل

الف - صنعت خدمات بطور کلی

یکی از مهمترین جلوه‌های دنیای مدرن پیدا شدن خدمات جدید است بالاخص پردازش اطلاعات و مخابرات، تغییر شکل خدمات از رده خارج شده و توسعه فوق العاده کلیه صنایع خدماتی. رشد سریع بخش اقتصاد موجب این شده است که این بخش موجب افزایش اشتغال در چندین کشور بشود. همزمان با این پدیده، مبادلات بین المللی در صنعت خدمات بطور چشمگیری زیاد شده است.

بین المللی شدن فعالیتهای اقتصادی که قبلاً بدان اشاره شد و افزایش تجارت جهانی همراه با توسعه خدمات بطور انحصار در مبادله کالا موجب پیدایش تحول اساسی در خدمات بین المللی مربوطه مانند حمل و نقل، مالی و بیمه شده است. در همین اثنای دو ماه گذشته ما شاهد تغییرات مهمی در ساختار صنعت خدمات مانند بانکداری، شرکتهای بیمه، شرکتهای حمل و نقل و شرکتهای تجاری بوده ایم.

در مقابل نیازهای جدید که توسط الزامات بازار دیکته می شود و نیازهایی که طالب خدمات سریع و مطمئن در ساختار جدید بین المللی هستند، شرکتهای چاره ای جز تحول بسوی چند ملیتی شدن نداشتند. (چرا که منطق بازار چیزی جز این را نمی پذیرفت). نقش ویژه این شرکتهای کمک اساسی آنها به رشد بازرگانی خارجی جامعه اقتصادی اروپا و به توسعه مبادلات بین الملل پدیده خوش آیندی است که باید بر ابقاء آن تأکید ورزید.

قابل ذکر است که برای امثال ۴۰٪ سرمایه گذاری خارجی شرکتهای چند ملیتی در داخل جامعه اقتصادی اروپا توسط شرکتهایی انجام می شود که دارای ابعاد بین المللی هستند و متعلق به بخش صنعت خدماتی هستند.

این توضیحات توجه به سطح کلی خدمات و به تصمیم سپتامبر ۱۹۸۶ توسط وزرای حاضر در جلسات نخستین معاهده «گات» (توافق کلی روی تعرفه و تجارت) اروگوئه را توجیه میکند و روشن میکند که چرا مسائل مربوط به مبادلات بین المللی خدمات، در دستور جلسه

جهانی که در آن عمیقاً حل شده است بنا گذارد. این مهمترین دلیلی است که به موجب آن بازار مشترک اروپا نمیتواند انزوای طلب و خواستار سیاستهای حمایتی و بیش از حد محافظه کارانه باشد.

با اینحال زمانی که نیاز به اخذ تصمیمات اقتصادی احساس می شود بازار مشترک باید از کشمکشهای خارجی و کلیه فشارهایی را که غالباً کشورهای را مجبور به انتخابهای سیاسی خاصی می کنند در محاسبات خود منظور بدارد هر چند این انتخابهای سیاسی ممکن است پیوسته با نیازهای بازار هماهنگ نباشند. به بیان دیگر اروپا با کشورهای غیر عضو مذاکره نماید تا بتواند به راحتی به بازارهای این کشورها دسترسی پیدا کند و از سوی دیگر تنها زمانی می تواند بازارهای خود را بروی سایر کشورها باز کند که طرفهای تجارتی اوضمانتهای لازم را برای عملیات مالی بین المللی در اختیار وی قرار داده باشد و از اصل دول کامله الوداد پیروی نماید.

این درخواست قانونی برای امنیت و تقابل دقیقاً نکاتی هستند که منتج به ضوابط یکسان گزائی جامعه مشترک شدند که این ضوابط عمدتاً در زمینه های بانکداری و بیمه بوده و به اعتراضاتی که قبلاً به آن اشاره نمودم، انجامید. این اعتراضات از نظر من مردودند چرا که میخواهم در این سخنرانی نکاتی را بازگو کنم:

۱ - تشریح اصول اولیه ای که در زمینه تجارت خارجی سنگ بنای سیاست جامعه نسبت به کشورهای غیر عضو است و تحلیل از دیدگاه بازار گونه در مورد پویایی بازار اروپا که دارد بنا می شود.

۲ - تحلیل طبیعت آینده نگر و زمینه های وجودی برای برخی معیارهایی که در سیاستهای اخیر اروپا موجب پیدایش بحث و جدل های کنونی شده اند.

۳ - جهت گیری های اساسی بازار مشترک و مختصات بازار.

قبل از اینکه اصول پایه سیاست اقتصاد خارجی بازار مشترک را بررسی کنیم و به مختصات بازار پردازیم تصور می کنم لازم باشد که بر اهمیت صنعت خدمات در مبادلات بین الملل تأکید ورزم و نقش و موقعیتی را که توسط فعالیت ما یعنی صنعت بیمه دارد، روشن نمایم.

مباحثات آینده گفتگوهای «گات» قرار گرفت. برای روشنی بیشتر بحث تذکر دو نکته ضرور است:

نکته نخست این که ما با موضوع نسبتاً جدیدی سرو کار داریم که هنوز کار زیادی برای روشن گرائی در مورد آن باقی مانده است. مذاکرات بین الملل سنتی همانند مذاکراتی که تاکنون در چهارچوب «گات» انجام گرفته است چیزی در مورد صنعت خدمات نداشته است بعنوان یک نتیجه عقلانی میتوان گفت که تجارت امروزه دنیا در این زمینه خاص با وجود موانع متعدد در راه تجارت جهانی بکارگیری سیاستهای کم و بیش مطلق حمایتی توسط دولتها، مشخص شده است.

دومین نکته آن است که در راستای رشد تجارت فقدان توافقهایی چند جانبه در مورد خدمات میتواند بر توسعه مبادلات جمعی اثرات منفی شدید باقی بگذارد. میتوان گفت که ترس ما از اینکه در آینده بدون وجود نظم و مقررات بین المللی سیاستهای حمایتی کنونی سخت تر شود و موانع بیشتری بوجود آید که نهایتاً موجب کند شدن تجارت و تقلیل تولیدات صنعتی شود، چندان غیر منطقی نخواهد بود. بالعکس اگر چنانچه تجارت خدمات بین المللی آزادتر و وسیع تر با چاشنی رهائی از برخی مشکلات همراه گردد عامل مهمی در توسعه اقتصاد جهان خواهد شد. من احساس میکنم که این نکات بسیار اساسی هستند چرا که پایه های سیاست خارجی تجارت جامعه را بنا می گذارند.

قبل از اینکه به تحلیل اصول وسیع تر سیاستهای بازار پردازیم اجازه دهید که چند کلمه ای هم درباره نقش، موقعیت و مکان بیمه در بخش خدمات بگویم.

ب - بیمه بعنوان یک فعالیت خدماتی ویژه

بیمه بعنوان یک فعالیت خدماتی ویژه یکی از چند عنوان ذکر شده در فهرست تراز پرداختهای بازار مشترک مربوط به خدمات است. همچنین از نظر نوع و حجم معاملات بین المللی یکی از اجزای مهم خدمات است.

با توجه به آنچه که قبلاً در خدمات بطور کلی ذکر گردید، زمینه کار بیمه، استثنائی بر قواعد فوق نمی باشد. ما در واقع با یک فعالیت شدیداً حمایت شده روبرو هستیم. برای مثال شرکتهای بیمه بازار مشترک حق

خواهند داشت که موضوع بحث ما را تغییر دهند و سؤال کنند که طرز برخورد بازارهای خارجی در مورد بازار مشترک چیست. پاسخ باین سؤال روشنگر مطالب زیادی خواهد بود.

بطور کلی دسترسی به کشورهای غیر عضو بازار مشترک اگر کاملاً غیر ممکن نباشد حداقل بسیار مشکل است. بدون اینکه به انحصارات دولتی موجود در زمینه بیمه و بیمه اتکائی یا هر دوی آنها اشاره کنیم حدوداً در ۶۰ کشور برای یک بیمه گر خارجی موانع زیادی وجود دارد که پاره ای از این موانع را یادآوری می کنیم:

— درخواست تضمین های غیر معقول

— لزوم واگذاری اجباری یا قانونی همچنین مجموعه ای اختیاری

— ایجاد مشکل و تأخیر در اخذ اجازه های مخصوص (اینگونه حمایت طلبی شدیداً اعمال می گردد بطوریکه بسیار مؤثر واقع می گردد زیرا موانعی نامرئی و غیر رسمی میباشد).

— حق ورودی گاهی فوق العاده بالاست (در ایالت نیویورک تأسیس یک شعبه ۳۵ میلیون دلار هزینه در بر دارد).

— در کشورهایی که از ساختار سیاسی فدرال برخوردارند مانند ایالات متحده آمریکا، هر ایالت برای خود مجوز مخصوصی دارد.

— موانع قانونی که غالباً در مورد خریدار خارجی شرکتهای داخلی عموماً پیش می آید. صنعت ما در واقع فعالیتی حمایت شده در پشت مرزهای ملی است و این حمایت در زمینه های ویژه ای اعمال می شود که بنا به طبیعت آن باید الزاماً بصورت بین المللی اداره شود منظور از این کنایه ها زمینه کار بیمه اتکائی و باربری است. حتی اگر در کشوری بیمه اتکائی در انحصار دولت نباشد اغلب محکوم به محدودیتهای خاصی است بعنوان مثال واگذاری مجدد اجباری و مشکلات مربوط به مانده حسابها را میتوان ذکر کرد.

در مورد حمل و نقل، اتحادیه بین المللی بیمه گران دریائی اخیراً لیستی از کشورهایی که مانع مبادلات آزاد می گردند، تهیه کرده است، این کشورها بطور اخص از

در شورای وزیران اروپا که در ژوئن ۱۹۸۸ در «هاتنور» تشکیل شده بود، تأیید گردید. به عقیده من بازار داخلی نباید درون گرا شود. بر اساس مواد «گات» جامعه مشترک نه تنها باید به روی سایر کشورها باز باشد بلکه باید با این کشورها وارد مذاکره شود تا صادرات بازار مشترک، قابل عرضه در بازارهای ایشان بشود. جامعه باید اطمینان حاصل کند که تعادل، در زمینه امتیازات داده شده، محفوظ می ماند. ما در اینجا به جوهر فلسفه جامعه پی می بریم فلسفه ای که هر زمان خود را آشکار میسازد و بالاخص در ضوابط خاصی که طی رهنمودهای اخیر بازار مشترک در مورد بانکداری و بیمه عمر صادر شده است، هویدا است.

بطور مشابه برخی ابزار کار سازمان اقتصاد و توسعه یعنی مقررات مربوط به جریان آزاد سرمایه و عملیات نامرئی جاری حاوی نکاتی در مورد حذف محدودیتهای جریان آزاد سرمایه می باشد از آنجمله استقرار در کشور بیگانه و یا امکان سرمایه گذاری صرف در آن کشور و ارائه خدمات. قابل توجه است که بدانیم مقررات مذکور در مورد سرمایه گذاری مستقیم و امکان تأسیس شعبه و استقرار در کشور بیگانه دارای ضوابطی است که به اصل معامله متقابل برمی گردد.

جهت گیری های اصلی

جهت گیری های اصلی توسط بالاترین مقامات جامعه طی مباحث کمیته در سال ۱۹۸۸ درباره موضوع ابعاد خارجی بازار از سال ۱۹۹۲ تعیین شده اند. این مقامات پارلمان و کمیته اروپا میباشد. در اینجا به توضیح خطرات اصلی آن می پردازیم.

— باز بودن درهای جامعه به روی جهان و تعهد آن نسبت به تجارت آزاد که سنگ بنای سیاست آنرا تشکیل میدهد.

— قرارداد رم در مقدمه وطی ماده ۱۱۰ تأیید می کند که قصد کشورهای امضاء کننده برای یک سیاست بازرگانی مشترک این است که نهایتاً محدودیتهای تجارت بین الملل را از میان بردارند.

— امروزه جامعه به یکی از بزرگترین صادرکنندگان

سیاست خرید اجباری واردات بطریق فوب و حتی الزام صادرات بصورت سیف پیروی می کنند و در مورد سیف صادرکننده را مجبور به خرید بیمه از یک شرکت داخلی می کنند. بخش دیگری که در آن انجام خدمات مواجه با محدودیتهائی میباشد عبارتند از بیمه مهندسی، ماشین آلات و مقاطعه کاری و بطور کلی خطرات عمده و منظم.

این وضع بسیار تأسف آور است زیرا بدلائل بسیار واضح زمینه کار بیمه اتکائی بطور اعم و بیمه در رشته های خاص خود بیشتر از سایر فعالیت های خدماتی نیاز به ابعاد بین المللی مانند آزادی سرمایه گذاری، آزادی استقرار شرکت در خاک کشور دیگر از راه خرید شرکتهای دیگر، تأسیس شرکت یا ادغام، آزادی انتقال سرمایه و سایر جریانات مالی و حتی آزادی انتقال پرسنل و تکنسین دارند.

با توجه بآنچه که ذکر گردید و دلایلی که عنوان گردید موضوع بیمه همراه با سایر فعالیتهای خدماتی در دور جدید گفتگوهای اروگوئه تحت عنوان اصل آزاد سازی خدمات در تجارت بین المللی مورد بحث واقع خواهد شد. در اینجا به موضوع اصلی بحث مان رسیدیم. اینک آراء و رهنمودهائی را که توسط بازار مشترک اروپا در این زمینه عنوان شده بررسی می کنیم. این مطالب از نظر من بسیار اساسی هستند زیرا پاسخ نهائی به بحث فوق را دربر دارد.

۲- ۱- جهت گیری های بازار مشترک در رابطه با کشورهای غیر عضو

اقدامات بازار مشترک بریک اصل اساسی و پاره ای جهت گیری های متخذه توسط بالاترین مقامات بازار استوار است. اصل اساسی، پیروی از شرایط پیمانهای قبول شده توسط بازار مشترک اعم از بین المللی نظیر پیمان «گات» و «سازمان اروپائی اقتصاد و توسعه» یا دو جانبه EFTA و کنوانسیون لومه میباشد. این قراردادها بطور اخص به بخش خدمات نمی پردازند ولی اصول کلی که بر اساس آن بنا شده اند بی شک موقعیت بازار مشترک را در مذاکرات آتی خود تحت تأثیر قرار خواهد داد. این مسئله

جهان تبدیل شده است (تجارت جامعه حدوداً — تجارت جهانی را در مقابل ۱۵٪ برای ایالات متحده و ۹٪ برای ژاپن تشکیل می‌دهد) ولی هنوز به تجارت جهانی شدیداً وابسته است (صادرات ۱۰٪ تولید ناخالص ملی در مقایسه با ۵٪ برای آمریکا می‌باشد) بنابراین نقش جامعه در حفظ تجارت آزاد بین الملل و سیاست درهای باز قابل اهمیت است.

— بنابراین روشن است که اروپا را دیگر نمی‌توان (قلعه اروپا) نامید بلکه بهتر است آنرا (اروپای شریک) بنامیم.

— البته مشکل خواهد بود که به آزاد سازی تجارت جهانی در ابعاد وسیعتر دست یازید لیکن این مهم با تلاش جامعه مشترک و توسط مذاکره با شرکای خارجی در زمینه توافقات جدید بین الملل ضمن احترام به مسئله ترازها و فواید مشترک و اصل تقابل عملی خواهد بود.

به زبان دیگر فلسفه جامعه که توسط کمیسیون اروپا پایه ریزی شده و پارلمان اروپا و شورای وزیرانی که آنرا تصویب کرده اند این است که: جامعه باز است و امکان دسترسی بیشتر به بازار سال ۱۹۹۲ برای سرمایه گذاران کشورهای اروپایی که بازارشان بنوبه خود به روی جامعه باز است، (از راه قراردادهای دو جانبه و یا چند جانبه) وجود دارد. باز بودن بازار و تقابل دو ایده کلیدی هستند که زمینه را برای درک طرز فکر جامعه و سیاست مورد به مورد آن فراهم می‌آورد رهنمودهایی که در مورد بانکداری و بیمه عمر صادر شده است همانطور که قبلاً ذکر کردم طرح خوبی از این ایده‌های کلیدی بدست می‌دهند.

پویایی بازار جامعه

قبل از اینکه الزاماً به بررسی جوانب فنی و قانونی ضوابط نهفته در رهنمودهای عنوان شده به پردازم مایلیم یکبار دیگر در مورد بازار جامعه سخن برانم. همانند اصول سیاسی و فلسفی یا متون قانونی، پویایی‌های بازار نیز نقش اساسی در انتخابها و جهت گیریها دارد. این پویاییها در ابعاد وسیعی توسط اعمال شرکتها چند ملیتی شکل داده میشود.

امروزه بیش از ۵۰٪ صادرات غیر کشاورزی دنیا

توسط واحدهائی انجام میشود که به گروه‌های چند ملیتی وابسته است. من قبلاً در مورد سهم قابل توجه شرکتها چند ملیتی که در بخش خدمات فعالیت میکنند و سرمایه گذاری‌هایی که شرکتها چند ملیتی وابسته به بازار مشترک در دنیای خارج از خود انجام داده‌اند، صحبت کرده‌ام.

در مورد بیمه، بین المللی شدن فعالیتهای ما پدیده قابل توجهی در سالهای اخیر است. احتیاجات شرکتها چند ملیتی که ما بعنوان بیمه گر آنها عمل می‌کنیم همراه با طبیعت خطراتی که پوشش می‌دهیم ما را راهنمایی می‌کند و حتی مجبور می‌سازد که ابعاد بین المللی بخود بگیریم. خطراتشان را که در گستره دنیا پخش شده‌اند، پوشش دهیم. با توجه به یکپارچه شدن و افزایش ضمانتهائی که تاکنون بصورت جداگانه و جزء بجزء خودنمایی می‌کردند. بیمه گران بنوبه خود پس از شرکتها صنعتی و تجاری نیاز به بین المللی کردن فعالیتهای خود را احساس کردند. خطرات خودبخود جنبه بین المللی دارند که این مسئله نه فقط بعلت بعد و طبیعت شرکتهاست بلکه زائیده طبیعت ویژه خطر نیز می‌باشد. در دنیای مبادلات و مخابرات سریع حتی فعالیت شرکتها کوچک و متوسط هم به سوی درگیری با خطرات بین المللی می‌رود، مسئولیت محصولات و تولیدات در مورد برخی خطرات مربوط به آلودگی محیط زیست، حمل و نقل، ساختمان و مهندسی به گونه‌ای روزافزون میل به فراتر رفتن از چهارچوب مرزهای ملی را دارند.

بسیاری از مدیران لایق عقیده دارند که در دنیای امروز فقط بیمه گرانی می‌توانند نیازها و واقعیتهای بازار را تأمین کنند که دارای ابعاد وسیع و ساختار بین المللی مناسب باشند. بیمه گران اروپائی دقیقاً در این مورد آگاهی دارند. موج خارق العاده خرید شرکتها دیگر، یکی شدن شرکتها و سهامداران شرکتها که جامعه بازار را طی یکی دو سال گذشته غوطه ور ساخته، بهترین دلیل پویایی بازاری است که در حال تغییر شکل و درهم شکستن ساختارهای فعلی می‌باشد. در حالیکه بیمه گران اروپائی سرگرم آنند که به این نیاز روزافزون که مکانیزم پیچیده آنرا در این قسمت بازگو کرده‌ام پاسخ دهند، در کلیه تصمیمات

اساسی خود، اصلی را که بر آن تأکید کرده‌ام یعنی (وجود یک اروپایی با درهای باز) و یا (یک اروپایی طالب مشارکت) از یاد نبرده‌اند.

«اروپایی با درهای باز»!

چند کشور بازار مشترک، بعنوان مثال بریتانیای کبیر و فرانسه دارای بازارهایی نسبتاً باز و راحت هستند. در فرانسه:

— تشریفات اخذ اجازه کار ساده است.

— (ورودیه) نسبتاً ارزان می‌باشد. برای تأسیس یک شرکت بیمه بعنوان شعبه حداقل سرمایه ثبت شده مورد نیاز بسته به نوع شرکت بین ۵ تا ۱۰ میلیون فرانک است.

— از میان ۵۵۰ شرکت صاحب امتیاز در فرانسه ۱۸۰ تایی آن حالت شعبه دارد که ۱۱٪ فروش خارجی را انجام می‌دهند فقط برای پوشش خطرات صنعتی این نسبت به ۳۰٪ می‌رسد. بالاخره لازم می‌بینم جمله یکی از مقامات مسئول خود را نقل قول کنم که می‌گوید شرکت‌های فرانسوی حقیقاً بسهولت قابل معامله هستند. کشور ما (فرانسه) کاملاً بر روی سرمایه خارجی باز است و در این مورد فرانسه تنها کشور نیست بلکه بریتانیا نیز رفتاری آزادانه دارد.

اخیراً بصورتی مشهود یکی از بیمه‌گران استرالیایی یک شرکت بریتانیایی را بنام گروه «پرل» مورد معامله قرار داد باین صورت که سهام خود را در شرکت فوق به حد ۳۳٪/۵۵ رسانید.

حال مورد دیگری را نقل می‌کنم. یک شرکت بیمه واقع در لندن بصورت کامل توسط دولت جمهوری خلق چین خریداری شد. در واقع آنزمان که آزادی خدمات در بازار مشترک لازم الاجرا می‌شود این شرکت خارجی که در بازار ایجاد شده و دارای مجوزهای قانونی می‌باشد با رقبای اصالتاً اروپایی خود رقابت خواهد کرد.

«اروپایی طالب مشارکت»!

از این مثال اخیر شروع می‌کنیم: در چین تجدید بنای بازار فرانسه مکانی برای گروه بیمه قوی ژاپنی (Dai Ichi Mutual Life) در نظر گرفته شد. ورود این شرکت به مجموعه وسیعی که شامل شرکت‌های «ویکتور و کولونیا»، «سوتزل»، «او.آ.پ.» و «دانش

بالتیکا» می‌باشد، نشانگر تمایل به اشتراک و نیاز به چند ملیتی نمودن ساختارها است تا جوابگوی درگیری‌های بازار در آغاز قرن بیست و یکم باشد. (قلعه اروپا) نظری است که آشکارا دور از حقیقت است.

برای حسن ختام توضیحات اخیر مایلم در مورد ضوابط مندرج در رهنمودهای اخیر بانکداری یا رهنمودهای پیشنهادی درباره بیمه عمر صحبت کنم و همانطور که قبلاً ذکر گردید این رهنمودها کاملاً نمایانگر اجرای سیاسی هستند که دو هدف باز بودن بسوی بازارهای بیگانه و تقابل را دنبال می‌کنند.

۲ — طبیعت، دورنما و زمینه‌ها برای مواد مندرج در متون بانکداری و پیش نویس بیمه عمر. در اینجا الزاماً وارد بحثی فنی تر و قانونی تر می‌شویم ولی این بحث ما را قادر می‌سازد که به بررسی قانون جامعه در موارد جدید آن پردازیم که ریشه فلسفی و سیاسی را دربر دارد. قبل از اینکه راجع به فلسفه آن بحث کرده باشیم ابتدا نگاهی به متون آن می‌افکنیم.

۱ — ۲ — موارد متقابل: طبیعت و دورنما.

بیمه عمر

کمیسیون جامعه رهنمودی را پیشنهاد کرده که بنام (رهنمود دوم پیشنهادی) معروف شده، چرا که مکمل رهنمود اول بیمه عمر در سال ۱۹۷۹ می‌باشد که آن هدف سهل کردن و آزادی خدمات را دنبال می‌کرد. این متن بسیار حائز اهمیت است زیرا گامی قطعی در راه دستیابی به یک بازار حقیقاً بدون مرز برمی‌دارد.

ماده ۹ پیش نویس، درباره رابطه بین دول عضو و سایر کشورها می‌باشد و از این نظر در مرکز بحث ما واقع گردیده است. به دو مورد اشاره شده:

مورد اول: وقتی یک کشور عضو از شرکت مادر که از قانون کشوری غیر عضو تبعیت می‌کند، درخواستی راجع به تأسیس شعبه دریافت کرده باشد.

مورد دوم: شرکتی که تابع مقررات قضائی کشوری غیر عضو است قصد داشته باشد که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم سهام یک شرکت بیمه مستقر در بازار مشترک را اخذ نماید به نحوی که شرکت ثانی تبدیل به شعبه‌ای از

شرکت اول شود.

ماده ۹ پیش نویس صراحت دارد که در هر دو مورد مقامات کشور مورد درخواست می‌باید کمیسیون و سایر کشورها را از این درخواست مطلع نموده و هرگونه تصمیمی را تا انجام کامل تشریفات پیش نویسی شده به تأخیر بیانندارد. این مطلب شامل دو مرحله می‌شود:

مرحله اول: کمیسیون طی مدت سه ماه بررسی خواهد کرد که کلیه شرکتهای بازار مشترک در هر دو مورد یاد شده فوق یعنی تأسیس شعبه یا اخذ سهام از سیاست متقابل کشور غیر عضو سود می‌برند.

اگر کمیسیون باین نتیجه برسد که ضمانتی برای تقابل وجود ندارد، می‌تواند تصمیم خود را منوط به مشاوره با مقامات مسئول کشورهای عضو نماید.

پس از این مراحل کمیسیون پیشنهادات مناسب خود را به شورای جامعه تقدیم خواهد کرد تا شورا در مورد رسیدن بیک توافق نامه دو جانبه یا متقابل با کشور غیر عضو مربوطه اقدام نماید. اینها، مفاد اصلی مندرج در پیش نویس رهنمودها درباره آزادی خدمات در بازار مشترک در رابطه با روابط این بازار با بازارهای خارج هستند. جوهر این ضوابط به بهترین نحو در پاراگراف مقدمه خلاصه شده است: (از آنجا که جوابگوئی به تقاضاهای تأسیس شعبه و یا اخذ سهام از طرف شرکتهای تابع قوانین کشوری غیر عضو نیاز به تهیه مقدمات و ضوابط دارد تا اطمینان حاصل شود شرکتهای تحت پوشش جامعه از کار متقابل نسبت بخود از طرف کشور غیر عضو مربوطه برخوردارند... رهنمود حاضر با هدف برقراری ضوابط محدود کننده جهت تشریفات بالا تهیه شده است) ماده ۹ دارای امتیازی دو گانه است:

— دسترسی کشورهای غیر عضو به بازار اروپا را با قبول تسهیلات مشابه به نفع شرکتهای اروپائی مربوط می‌سازد.

— زمینه ای جهت سیاست یکپارچه بازار مشترک در برابر مسئله شناخت و قبول شرکتهای غیر بازار مشترک فراهم می‌سازد این فقط یک پیشنهاد است و از آنجا که مسئله با شرایط مشابهی بهنگام بحث در مورد رهنمود دوم بانکداری به بحث گذاشته شده بهتر است در نظر بگیریم

در مورد مؤسسات اعتباری چه مسائلی اتفاق افتاده است.

رهنمود دوم در مورد بانکداری:

این رهنمود تازه که اینک جزء لاینفک قانون بازار مشترک است در مرحله پیش نویس خود شامل ماده ۷ بوده که کاملاً شباهت به ماده ۹ پیش نویس بیمه عمر داشته است. معذالک این پروژه دچار مشکلاتی شد. در واقع بسیاری از کشورهای عضو مخالفت خود را با ایده درج یک ماده متقابل بصورتی بسیار محکم ابراز داشتند.

بریتانیا و لوکزامبورگ بطور اخص و آلمان غربی و هلند به نحوی خفیف تر از یک متن با انعطاف بیشتر پشتیبانی کردند چرا که واهمه داشتند که محدودیتها بگونه ای جاذبه این کشورها را بعنوان مراکز مالی کم خواهد کرد و از استقرار بانکهای مهم در خاک این کشورها جلوگیری خواهد کرد. طی مباحثی که بعداً پیش آمد نقطه نظرهای آزادانه بر تنگ نظرانه فائق آمد. اینک ماده ۷ جدیدی موجود است که جزء لاینفک متن تصویب شده، می‌باشد. از حالا به بعد کلیه درخواستهای مجوز که توسط بانکهای غیر جامعه برای اخذ سهام در مؤسسات اعتباری جامعه واصل شود، می‌باید فقط به اطلاع کمیسیون برسد. در نتیجه به تعویق انداختن تصمیم گیری راجع به این تقاضاها دیگر لزومی ندارد. کشورهای عضو کاملاً آزادند که باین درخواستها پاسخ مثبت یا منفی بدهند.

نقش کمیسیون شامل بررسی ادواری این مطلب می‌گردد که چگونه با بانکهای بازار مشترک در کشورهای غیر عضو برخورد می‌شود. چنانچه کمیسیون باین نتیجه برسد که کشوری غیر عضو به مؤسسات اعتباری دسترسی آزادانه به بازار خود نمی‌دهد یا تسهیلات مشابهی را در اختیار ایشان نمی‌گذارد آنگاه می‌تواند پیشنهادات مناسب خود را برای مذاکره با کشور یا کشورهای مربوطه به شورای اروپا تقدیم کند.

بعلاوه کمیسیون می‌تواند مجوزهای جدید را به نفع شرکتهائی که تحت مقررات قضائی کشور غیر عضو مورد بحث هستند محدود یا معلق کند. با بازگشت به بحث اصلی یعنی بیمه، منازعه بین طرفداران و مخالفین مواد محدود کننده متقابل کماکان وجود دارد. در حال حاضر

غیر ممکن است که نتیجه این گفتگوها را پیش بینی کنیم ولیکن وقت آن رسیده که در مورد فلسفه کلی که در ورای این متون وجود دارد بحث کنیم:

۲-۲ - بازار اروپائی واحد و شرکای خارجی:

اصول عملکرد جامعه اروپا

اولین نکته ای که هم در مورد بانکها و هم شرکتهای بیمه پنجم میخورد از اینقرار است: به موجب (ماده ۵۸ معاهده «رم») شعباتی که توسط بانکها و شرکتهای بیمه خارجی در یکی از کشورهای جامعه اقتصادی اروپا تأسیس شوند از همان ابتدای موجودیت خود متعلق به جامعه هستند. استنتاج منطقی از این ضوابط که توسط معاون کمیسیون جامعه اقتصادی اروپا طی یک کنفرانس مطبوعاتی با موضوع سیاست خارجی بازار مشترک برگزار شد این است که بانکهای خارجی که دارای شعبی در بازار خارجی هستند، می توانند بدون هیچ شرط دیگری در داخل جامعه فعالیت کرده و از حق تأسیس و آزادی خدمات در درون مرزهای جامعه اقتصادی اروپا برخوردار شوند البته این امر منوط به لازم الاجرا درآمدن سیاست بانکداری مشترک در جامعه میباشد. این نوع تفسیر باز و آزادی طلبانه از حقوق موجب شد کشورهای زیادی منجمله آلمان غربی بر این عقیده باشند که در چنین فضائی تحمیل شروط تقابل تنگ نظران، مانند ماده ۷ پیش نویس راهنمای بانکداری موردی برای ادامه حیات نخواهد داشت. بانکهای ژاپنی، کره ای و آمریکائی و سایر بانکها که علاقمند به فعالیت در بازار مشترک پس از تاریخ مؤثر ۱۹۹۳ هستند. زمان زیادی برای تأسیس شعبه در هر یک از کشورهای عضو بازار مشترک داشته اند. این نوع استدلال در مباحثات بازار مشترک بر سایر استدلالات پیشی جست و نهایتاً جامعه نیز آنرا قبول نمود یعنی در مورد بانکداری رأی به فلسفه آزادانه تر و سیاست درهای باز و حداکثر گشایش بر روی شرکای خارجی را داد.

بنابراین موقعیت بازار در حال حاضر بسیار روشن است. احدی نمی تواند در این مورد شک کند که در زمینه بازارهای مالی، جامعه چه در تئوری و چه در عمل همواره یکی از بازترین بازارها در دنیا بشمار میرود.

اما در مورد بیمه هنوز نتیجه گیری و پیش بینی سیاستهای نهائی بازار مشکل و در هر صورت پیش داوری تلقی خواهد شد. در واقع دو ترو وجود دارد که با یکدیگر در نزاعند: اولین تر که در مورد بانکداری می باشد بر سایر ترها چیره گردید و دومین تر شروط معاملات متقابل را شدیداً حمایت می کند.

ما بلم با استفاده از روش های نتیجه گیری به توصیف زمینه هائی پردازم که موجب پیدایش کلوز معاملات متقابل شدند تا جائیکه برخی کنار گودنشینان با نظری شکاکانه بدان بنگرند و این سؤفاهم باعث بروز انتقادات غیر موجه و شدید علیه اروپا شوند. ساخت «قلعه اروپا» تاکنون مورد سؤال قرار نگرفته است. بررسی دقیق زمینه ها و نتایج شروط معاملات متقابل به ما اجازه میدهد که دلایل محکمی بر این مدعا بیاوریم.

نتیجه: پایه های سیاسی کلوز معاملات متقابل یکی از موضوعات اصلی بحث در میزگرد «اروگونه» آزاد سازی معاملات بین المللی خدمات بود. با این وصف ما از برخی جهات خود را در وضعیت خاصی می بینیم:

۱- اروپائی که بازارهای مالی آن در حال حاضر کاملاً بروی شرکتهای خارجی باز است.

۲- دورنمای کوتاه مدت آزادی خدمات در داخل مرزهای بازار مشترک به شرکتهای خدماتی اجازه میدهد به بازاری متشکل از ۳۲۰ میلیون نفر جمعیت (که در دنیا بی نظیر است) دست یابند.

۳- شرکتهای خارجی مانند شرکتهای ژاپنی و آمریکائی که در داخل جامعه شعبه ای تأسیس کرده اند یا در دست تأسیس دارند از همان مزایای شرکتهای اروپائی برخوردارند. تعداد زیادی از شرکتهای در حال حاضر درصدد سازمان دهی خود هستند تا از سیاست آزادی طلبانه بازار مشترک به نحو احسن سود جویند از طرف دیگر اروپا با مشکلات زیر روبرو میباشد:

۱- شرکتهای اروپائی با موانع زیادی در خارج مرزهای بازار مشترک روبرو شده اند که قبلاً اشاره کردیم.

۲- مقررات محدود کننده موجود در مورد فعالیتهای بانکداری و مالی که در عمل جامعه را مجبور می کند که در هر مورد با کشورهای خارجی اقدام به مذاکره کند.

در شرایط یاد شده غیر قابل درک خواهد بود که جامعه به کشورهای غیر عضو خود بدون منافع متقابل، اخذ امتیاز یا بی قید و شرط، امتیازاتی را که ناشی از سیاستهای آزادی طلبانه داخلی جامعه است، واگذار نماید.

از دیدگاه حقوقی بازار مشترک اروپا کاملاً حق دارد که دسترسی به بازار خود را مشروط به عمل متقابل کشورهای غیر عضو بنماید. معاملات متقابل بعنوان مبادله ای آزاد و وسیع بین دوشریک تجاری که امتیازات دوجانبه ای را برای طرفین بوجود می آورد و دسترسی به بازارهای یکدیگر را برایشان سهل و آسان می کند اصل اساسی است که در مقررات «G. A. T. T.» و «O. E. C. D.» پیش بینی شده است. همچنین این اصل در بسیاری قوانین ملی مانند قوانین ایالات متحده آمریکا و کانادا در نظر گرفته شده است.

و اما تا آنجا که به توسعه اقتصادی ناشی از گشایش بازارها مربوط می شود، معامله متقابل یک ابزار اساسی است. همانطور که قبلاً ذکر گردید هدف بازار مشترک آزادسازی بیشتر تجارب جهانی بالاخص در صنعت خدمات و از طریق موافقتنامه های دوجانبه و چندجانبه است.

در شرایط حاضر برای بازار مشترک هم بسیار شجاعانه و هم غیر عقلانی خواهد بود که به کشورهای غیر عضو از این جریان سود فراوانی خواهند برد مشروط به اینکه مزایای چنین توافقاتی برای هر دو طرف معامله متعادل باشد.

بنابراین شروط معاملات متقابل حق منطقی و قانونی کشورهای عضو است که بعنوان یک ابزار اساسی عمل می کند که بدون آن جامعه نمی توانست بازار خود را به روی کشورهای خارجی بگشاید و بطور خلاصه میتوان گفت که لازمه سیاست دفاع از منافع جامعه، اروپاست.

سیاست مجبور نمودن بازارهای خارجی بگشایش متقابل درهای خود نباید بعنوان ابزاری سازنده و حمایتی تلقی گردد بلکه بیشتر بعنوان عاملی تعادل دهنده برای توسعه متجانس تر تجارت است. به همین دلیل است که ماده ۷ پیش نویس رهنمود بیمه عمر کماکان از طرفداران زیادی برخوردار است و بسیاری مقامات مسئول تصمیمی را که در مورد بانکداری اخذ شده است بیش از حد آزادی طلبانه تلقی می کنند و از آن بعنوان تصمیمی که تضعیف کننده موقعیت بازار مشترک در مذاکرات بین المللی آزاد سازی تجارت خواهد بود، یاد می کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی